

مدل سازی کارآفرینی زنان شهری بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی با رویکرد توسعه پایدار اجتماعی در استان گلستان

دریافت مقاله: ۹۷/۷/۴ پذیرش نهایی: ۹۷/۱۲/۶

صفحات: ۱۶۱-۱۳۹

نفیسه وریانی پور: دانشجوی دکترای کارآفرینی، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

Email: Nafiseh_kiani56@yahoo.com

سید محمدرضا حسینی: استادیار، گروه اقتصاد، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

Email: Mehranhosseini@gmail.com

روح الله سمیعی: استادیار، گروه مدیریت، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

Email: Roohalla.samiee@gmail.com

مجید اشرفی: استادیار، گروه حسابداری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

Email: Mjd_shrafi@yahoo.com

چکیده

این مقاله با هدف بررسی کارآفرینی زنان و نقش آنها در توسعه کارآفرینی بر اساس زنجیره ارزش بررسی و سپس به توسعه پایدار اجتماعی در گلستان انجام شد. ابتدا به بررسی، تجزیه و تحلیل مشخصه‌های جمعیت‌شناختی صاحب نظران پرداخته شد سپس مؤلفه‌های زنجیره ارزش کارآفرینی و توسعه پایدار اجتماعی شناسایی شده را با استفاده از نظر صاحب نظران (که ۲۰ نفر از زنان برتر کارآفرین استان گلستان هستند) به کمک روش دلفی فازی و انجام فازی زدایی غربال و مؤلفه‌های متغیرهای مورد نظر انتخاب گردید. همچنین روایی و پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ مورد بررسی و نرمال بودن توزیع مؤلفه‌ها و نمونه‌ی آماری توسط آزمون کلموگورونوف - اسمیرنوف و آزمون t - استیودنت انجام شد. در بخش اول مقاله با استفاده از روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار Expertchoice به اولویت‌بندی و رتبه‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های زنجیره ارزش کارآفرینی (توسط ۱۹۸ نفر از زنان کارآفرین شهری استان گلستان) پرداخته شد. در بخش دوم برای سنجش روابط بین توسعه کارآفرینی زنان بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی و توسعه پایدار اجتماعی از تحقیق همبستگی و معادلات ساختاری برای آزمون تحلیل عاملی و روش آزمون تحلیل عاملی با استفاده از نرم‌افزار Smart pls2 استفاده شده است که این ارتباط معنی‌دار است، زیرا نوع و میزان ارتباط متغیرها از این طریق به دست می‌آید که در تدوین توسعه کارآفرینی زنان کمک شایانی نموده، نقاط قوت و ضعف را به خوبی نمایان می‌سازد و راه‌های دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی را تسهیل می‌نماید. در نهایت ارائه مدل و ارتباط معنی‌داری بین توسعه کارآفرینی زنان شهری بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی و توسعه پایدار اجتماعی به دست آمد.

کلید واژگان: کارآفرینی زنان شهری، توسعه کارآفرینی، زنجیره ارزش، توسعه پایدار اجتماعی، استان گلستان

مقدمه

در هر کشوری نرخ اشتغال و بیکاری از جمله مؤلفه‌های اصلی توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. اشتغال از دیدگاه کلان اقتصادی جنبه‌های مختلفی همچون درآمدزایی، تولید، کارآفرینی، توسعه دانش و فناوری را در بر می‌گیرد و از دیدگاه اجتماعی نیز به انسان منزلت، جایگاه و موقعیت اجتماعی و حفظ اعتماد به نفس می‌دهد. یکی از مهمترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. نقش زنان در توسعه پایدار مستقیماً با هدف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این رو در توسعه پایدار اجتماعی همه جوامع انسانی عامل بنیادی محسوب می‌گردد.

یکی از مهمترین مفاهیمی که کارآفرینی را از هر نوع راه‌اندازی کسب و کار متمایز می‌نماید، شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های کسب و کار می‌باشد. پروفسور استیونسن (۱۹۸۳) با مطرح نمودن مفهوم تشخیص فرصت در تعاریف کارآفرینی و رفتار کارآفرینانه، پارادایمی جدید در تحقیق کارآفرینی ایجاد نمود. در این راستا، یکی از اساسی‌ترین سؤالات این است که چرا اغلب مردان قادر به شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌ها هستند، در حالی که زنان این توانایی را ندارند.

با مکانیزه شدن تولید بعد از انقلاب صنعتی، دیگر قدرت جسمانی عامل تعیین‌کننده برای بسیاری از امور به حساب نمی‌آید. هنگامی که اقتصاد مراحل اولیه توسعه را سپری می‌کند، سهم زنان در نیروی کار کاهش و هنگامی که اقتصاد در مراحل پیشرفته توسعه قرار می‌گیرد، سهم زنان در نیروی کار افزایش می‌یابد و از طرف دیگر با پیدایش ماشین‌ها و تجهیزاتی که از شدت کارهای خانگی می‌کاهد، اوقات فراغت زنان بیشتر می‌شود و زنان می‌توانند به فعالیت‌های اقتصادی بیرون از محیط خانه اقدام کنند. به همین دلیل، زنان به تدریج نقش فزاینده‌ای در تولید و کارآفرینی به خود اختصاص می‌دهند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲). بنا بر ضرورت سهم بودن زنان در اقتصاد جهت توسعه کشور، هدف این تحقیق، توضیح این امر است که توسعه کارآفرینی زنان بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی در استان گلستان چگونه محقق می‌شود و چگونه این زنجیره می‌تواند بر قابلیت‌های کارآفرینی زنان بیفزاید و از طرفی فرصت‌های ایجاد شده برای کارآفرینی زنان چگونه می‌تواند استعداد‌های زنان کارآفرین شهری را در جامعه نشان داده و جامعه چگونه می‌تواند از این قابلیت‌ها برای توسعه پایدار اجتماعی استفاده نماید.

از آنجایی که توسعه کارآفرینی زنان از طریق فرآیند نوآوری و بهره‌گیری از فرصت‌ها با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی که البته با انگیزه‌ی کسب سود مالی، توفیق طلبی، رضایت-بخشی و استقلال صورت می‌گیرد و نقش کارآفرینی زنان در توسعه پایدار اجتماعی حائز اهمیت می‌باشد، پس به کارگیری مؤلفه‌های زنجیره ارزش کارآفرینی در فعالیت‌های اولیه از جمله (ویژگی‌های شخصیتی جهت بهره‌برداری از فرصت‌ها، توانایی جذب منابع لازم، ایجاد ارزش افزوده، برقراری ارتباط سازنده، ریسک‌پذیری بالا، خلاقیت و نوآوری و قدرت اخذ تصمیم‌گیری برای اخذ کارآفرینی، دانش در زمینه فنون کار، مهارت‌های مدیریت کسب و کار، توانایی برای همکاری و برداشت خوب نسبت به کسب و کار) و مؤلفه‌های موجود در فعالیت‌های ثانویه از جمله (فرهنگ‌سازی برای رشد نگرش مناسب و تقویت روحیه کارآفرینی، پاسخ به نیاز مشتریان بازار و افزایش رقابت و ایجاد عامل انگیزشی برای نوآوری، آموزش مهارت‌های کارآفرینی و بسترسازی

برای یافتن دانش جدید، برنامه‌ریزی‌های آموزشی مناسب توسط دولت - سیاست‌ها و حمایت‌ها در رابطه با ریسک‌های مالی، خط‌مشی‌های مناسب دولتی در رابطه با توسعه کارآفرینی) ضروری است. بنابراین کارآفرینان از یک سو و برنامه‌ریزان و کارگزاران دولتی از سوی دیگر با حمایت همه‌جانبه از فرآیند کارآفرینی و برنامه‌ریزی جامع، زمینه‌ی توسعه، رشد و ترویج فرهنگ کارآفرینی را فراهم می‌نمایند تا توسعه پایدار اجتماعی تحقق یابد که این موضوع توجه به زنجیره ارزش کارآفرینی را مطرح می‌سازد. توسعه کارآفرینی زنان از جمله مؤلفه‌های مهم در توسعه پایدار اجتماعی است. زنان قربانیان اصلی در مواردی چون فقر، خشونت، عدم برخورداری از تغذیه و بهداشت مناسب هستند. از این رو، توجه به بهبود موقعیت زنان نفع همگانی را در بر دارد. مطالعات در حوزه توسعه کارآفرینی زنان به طور گسترده انجام می‌شود. در این مورد، مجامع بین‌المللی در مورد این موضوع دست به تحقیقات گسترده‌ای زده‌اند که می‌توان به مطالعات انجام شده توسط سازمان ملل و بانک جهانی اشاره کرد. از طرف دیگر، بیشتر کشورها نیز دریافته‌اند که بدون توانمندی زنان توسعه پایدار محقق نخواهد شد. پرورش فرزندان، اداره امور منزل، حفظ محیط زیست، بهره‌وری صحیح از منابع، صرفه‌جویی در انرژی مباحثی هستند که زنان به طور مستقیم با آنان مرتبط می‌باشند، پس توانمند بودن و توانمند ساختن زنان به جامعه در رسیدن به اهداف توسعه پایدار اجتماعی کمک خواهد کرد و از طرف دیگر به ترقی و تعالی جامعه نیز منجر می‌شود.

تاکنون تلاش‌های بسیار اندکی برای تعریف پایداری اجتماعی به عنوان بعدی مستقل از توسعه پایدار صورت گرفته است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد هیچ اجماع نظری بر روی معیارها و دیدگاه‌ها در تعریف پایداری اجتماعی وجود ندارد و هر نویسنده و یا سیاست‌گذاری با توجه به معیارهای خاص و یا چشم‌انداز آینده، تعریف متفاوتی از پایداری اجتماعی را ارائه می‌دهد.

بنابراین دستیابی به یک تعریف کلی بسیار دشوار است (Calantonio and Lane, 2007: 4). به هر ترتیب، مفهوم توسعه پایدار امروزه به ایجاد تعادل در ابعاد زیست - محیطی، اقتصادی و اجتماعی اشاره می‌کند. با این حال، پایداری اجتماعی رابطه‌ی میان ابعاد مختلف توسعه پایدار است (Colantonio, 2009: 4) و در واقع پایان توسعه محسوب می‌شود. توسعه‌ی پایدار، امروزه بر پایه‌ی نوآوری و خلاقیت و استفاده از دانش استوار است. توسعه‌ی کارآفرینی در کشور ضمن فراهم آوردن زمینه رشد توسعه پایدار، مسائل و مشکلات جاری از همه مهم‌تر فقر، نابسامانی اجتماعی و فرهنگی، بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی و معضل انبوه سایر بیکاران را مرتفع خواهد کرد. در واقع کارآفرینی که به مفهوم کشف و بهره‌برداری از فرصت‌ها به منظور ارزش‌آفرینی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. پایه و اساس توسعه همه‌جانبه محسوب می‌شود. کارآفرینی نقش شایسته و برجسته‌ای در رشد و توسعه اقتصادی، حضور فعال زنان در بازار، رقابت، اشتغال‌زایی پایدار، توسعه عدالت، کاهش فقر، درآمد ملی و حل مشکلات جامعه، دولت و بخش عمومی است. برای توسعه‌ی کارآفرینی در کشور به کارآفرینان توانمند از جمله زنان کارآفرین شهری نیاز است.

مؤلفه‌های زنجیره ارزش کارآفرینی در مدل توسعه کارآفرینی زنان کدام است؟ آیا ارائه مدل توسعه کارآفرینی زنان بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی می‌تواند موجب توسعه‌ی پایدار اجتماعی گردد؟

مفاهیم و مبانی نظری

کارآفرینی از ابتدای خلقت بشر و همراه با او در تمام شئون زندگی انسان حضور داشته و مبنای تمامی تحولات و پیشرفت‌های بشری بوده است. ادبیات کارآفرینی نشان می‌دهد که کارآفرینی فعالیت‌های بشر را دربرمی‌گیرد. (صمدآقایی، ۱۳۹۰: ۲۲) واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی *Entreprendre* به معنای «واسطه و دلال» و یا اصطلاح انگلیسی *to undertake* به معنای «متعهد شدن» نشأت گرفته است که در فارسی ابتدا کارآفرمایی و سپس کارآفرینی ترجمه شده که هر دو ترجمه خوبی از این واژه‌ها نیستند (Zimny, 2003). به نظر می‌رسد بهتر بود که این واژه به «ارزش‌آفرین» ترجمه می‌شد. کارآفرینی شامل یک فرآیند یادگیری است و عبارت از توانایی برآمدن از عهده مسائل و مشکلات و نیز یاد گرفتن از آنها می‌باشد. (Deakins & Freel, 1998: 21)

بنا بر تعریف واژه‌نامه دانشگاهی وبستر: کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند. واژه‌ی کارآفرینی دیرزمانی پیش از آنکه مفهوم کلی کارآفرینی به زبان امروزی پدید آید، در زبان فرانسه ابداع شد. در اوایل سده شانزدهم، کسانی را که در امر هدایت مأموریت‌های نظامی بودند، کارآفرین می‌خواندند (Aladkoomo, 2006). از آن پس درباره‌ی دیگر انواع مخاطرات نیز - همین واژه با محدودیت‌هایی مورد استفاده قرار می‌گرفت. از حدود سال ۱۷۰۰ میلادی به بعد، فرانسویان - درباره‌ی پیمانکاران دولت که دست اندرکار ساخت جاده، پل، بندر و استحکامات بودند، به کرات لفظ کارآفرین را به کار برده‌اند (کردنائیچ و همکاران، ۱۳۸۶: ۲). «کارآفرینی» برخلاف صورت ظاهری آن، به معنای ایجاد کار نیست، این موضوع در جامعه و حتی در میان تحصیلکردگان نیز به صورت غلط و به معنای «ایجاد کار» متداول شده است؛ در حالی که ایجاد کار و شغل ممکن است یکی از نتایج کارآفرینی باشد. تا به حال معادل فارسی مناسب و درستی برای عبارت انگلیسی *Entrepreneurship* پیدا نشده است و بعضی‌ها آن را معادل «ارزش‌آفرینی» می‌دانند (احمدپور، ۱۳۸۷). با توجه به ابعاد و جلوه‌های متنوعی که از مفهوم کلی کارآفرین - قابل برداشت است، این مفهوم به سرعت در حوزه‌های مختلف علوم انسانی نظیر اقتصاد، علوم رفتاری و - مدیریت وارد شد و هر یک از محققان و صاحب‌نظران با توجه به زمینه تخصصی و فکری خود به آن نگریستند (مقسومی، ۱۳۸۷).

صاحب‌نظران علم اقتصاد بیشتر نقش‌های کارکردی کارآفرینی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. جامعه‌شناسان و روانشناسان نیز ابعاد فرهنگی و اجتماعی تأثیرات محیط بر فرد و ویژگی‌های شخصی وی را بررسی کرده‌اند. اندیشمندان حوزه مدیریت نیز با رویکرد فرایندی به تشریح مدیریت کارآفرین و محیط کارآفرینانه در سازمان‌ها پرداخته‌اند (مرادی، ۱۳۸۵: ۳). ریشه‌نگرش توسعه‌پایدار به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اجتماعی - اقتصادی در شهرها از نظر بوم‌شناختی (اکولوژی) برمی‌گردد.^۱ در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی افزون بر - اهمیت یافتن آلودگی‌های محیطی، این نکته نیز روشن شد که مشکلات محیطی به وجود آمده، ارتباط - تنگاتنگی با نوع رابطه انسان و محیط پیرامون او دارد؛ بنابراین پذیرفتن مدل‌های سنتی رشد و توسعه به زیر - سؤال رفت.^۲

۱. کریمی و توکل‌نیا، ۱۳۸۸: ۸۱

۲. فرهودی، رهنمایی و تیموری، ۱۳۹۰: ۹۰

از دهه ۱۹۸۰ به بعد، توسعه پایدار به عنوان مفهوم اصلی و بنیادی در راهبرد حفاظت جهانی سازمان ملل و در گزارش برانتلند قرار گرفت. گزارش خانم برانتلند (۱۹۸۳)، توسعه پایدار را «توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی‌های آینده، برای برآوردن نیازهای خودشان» تعریف می‌کند، بیان نمود. گزارش برانتلند در واقع به نوعی ضرورت بازبینی در ارتباط با شیوه حاکمیت و زندگی را آشکار کرد. تحقق توسعه پایدار در ارتباط با فراگیری آن است. به عبارت دیگر، توسعه به شیوه‌ای صورت پذیرد که بتواند بخش‌های وسیعی از یک جامعه را بهره‌مند سازد، بنابراین قبل از آن که هر تصمیمی اتخاذ شود، نیاز است تا آثار آن بر جامعه، محیط و اقتصاد بررسی شود، همچنین توجه به این نکته ضروری است که برنامه‌ها و کارهای اجرایی - صورت گرفته در یک نقطه، علاوه بر آثار محلی خود، آثاری فرامحلی نیز خواهد داشت که بر روی سایر مناطق اثرگذار خواهد بود. علاوه بر این، تصمیماتی که در زمان حال صورت می‌گیرد، بر نسل‌های آتی نیز تأثیرگذار خواهد بود.^۱

تاکنون توافق عمومی که ابعاد مختلف توسعه پایدار را پوشش دهد و مورد توافق همه سیاست‌گذاران در مباحث توسعه پایدار باشد، صورت نپذیرفته است.^۲

با این وصف تعریفی از توسعه پایدار که به نحوی مورد توافق اکثریت باشد، سه حوزه اصلی اقتصادی، اجتماعی و زیست - محیطی را دربرمی‌گیرد و در هر یک از این بخش‌ها، جامعه مشخصاتی دارد.

در رابطه با توسعه پایدار اجتماعی بر اساس دیدگاه‌های جامعه‌شناسان، بازیگران اصلی در فرآیند توسعه انسان‌ها هستند که مدل‌های سازمان اجتماعی آنها به منظور تعیین راه‌حل‌ها و تدابیر مناسب در جهت دستیابی به توسعه پایدار نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. در واقع تجربه نشان می‌دهد که بی‌توجهی به عوامل اجتماعی در خلال فرآیند توسعه، اثربخشی برنامه‌ها و پروژه‌های گوناگون توسعه‌ای را با مخاطره جدی مواجه می‌سازد.

در توسعه اجتماعی دگرگونی و تغییر جامعه در کلیت آن مورد نظر نیست. توجه اساسی بیشتر بر تغییر بهبود زندگی و ارزیابی جریان‌ها و تحول اجتماعی است تا اینکه تغییر در یک سازمان و یا نهاد اجتماعی صورت پذیرد. از طرفی استراتژی‌های توسعه اجتماعی در جهت بهبود کیفیت زندگی انسانی بوده، پاسخگویی به نیازهای انسانی را مدنظر قرار می‌دهد. از این رو، استراتژی‌های توسعه اجتماعی، نیازهای رفاهی، نیازهای فرهنگی و روانی، نیاز در تطبیق‌پذیری و نیاز به رشد و ترقی را که در مجموع از عمده‌ترین نیازهای انسان در جامعه جدید بوده است، مورد توجه قرار می‌دهد.^۳ قضاوت و داوری در توسعه پایدار اجتماعی بر این مبناست - که کدام جنبه‌های اجتماعی می‌تواند و می‌باید پایدار و حفظ شود و کدام می‌تواند یا حتماً باید تغییر یابد. - تعریف توسعه پایدار اجتماعی با تعریف عمومی توسعه پایدار مطابقت دارد. از همین رو، سیاست‌های پایداری اجتماعی مستلزم این است که ادامه‌دار بوده، کاربرد آن برای سال‌های متمادی مورد توجه قرار گیرد، تا توسعه پایدار اجتماعی را به عمل آورد.^۴

1. Bredlid, 2009: 142

2. Calantamin, 2008: 3

۳. نظری، محمدرضا. ۱۳۹۳: ۳۶

۴. زال، ۱۳۸۶: ۱۸

در نهایت می‌توان چنین گفت که پایداری اجتماعی به چگونگی ارتباط میان افراد، جامعه و جوامع توجه داشته است که برای دستیابی به این هدف، مدل‌هایی از توسعه انتخاب می‌شود. البته با توجه به مرزهای فیزیکی موجود، در عمل باید گفت پایداری اجتماعی ناشی از اقداماتی در زمینه موضوعاتی اساسی، همچون عرصه‌های اجتماعی افراد و جامعه بوده و لذا دامنه‌ای از توسعه مهارت‌ها و نابرابری‌ها در زمینه زیست‌محیطی و فضای را در بر گرفته است. در این میان، برای سنجش پایداری اجتماعی غیر از معیارهای سنتی، مانند عدالت و سلامتی می‌توانند مفاهیم جدیدتری، از جمله شادی، رفاه و کیفیت زندگی را سنجش و ارزیابی نمایند.^۱

هدف از این تحقیق، ارائه‌ی مدلی از توسعه کارآفرینی زنان شهری بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی برای دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی در استان گلستان می‌باشد و مدلی ارائه گردید که نشان داد ارتباط معنی‌داری بین توسعه کارآفرینی زنان شهری بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی و توسعه پایدار اجتماعی وجود دارد. سابقه تحقیقات انجام شده در ارتباط با موضوع و نتایج به دست آمده از داخل و خارج از کشور از جمله: حسین‌پور و زارعی وش (۱۳۹۱)، در پژوهشی با هدف «بررسی الگوی توسعه کارآفرینی زنان اداره کل تعاون استان تهران» به این نتیجه دست یافتند که برای افزایش کارآفرینی سازمانی، ساختارهای ارگانیک و پویا با ویژگی‌هایی چون لایه‌های ساختاری کمتر، انعطاف‌پذیری ساختاری، تمرکز پایین و پیچیدگی کمتر، جلوگیری از قوانین و مقررات دست و پا گیر، توانمندسازی دیگران، بها دادن به افراد خلاق و نوآور باید مورد توجه قرار داده شود. دنیایی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر تقویت و توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های کشاورزی استان زنجان» به نتایج زیر دست یافت: بی‌توجهی دستگاه‌های اجرایی به حمایت‌ها، میزان معافیت‌ها و تخفیف‌های قانونی در نظر گرفته شده برای تعاونی‌ها و عدم توجه بانک‌ها به عنوان تأمین‌کنندگان منابع مالی شرکت‌های تعاونی کشاورزی به مواردی همچون معافیت و تخفیف در میزان سهم آورده طرح‌های سرمایه‌گذاری، تعاونی‌ها را شدیداً تحت تأثیر قرار داده‌اند. وجود چنین مشکلاتی موجب گریز افراد کارآفرین از فعالیت در قالب شرکت‌های تعاونی می‌گردد. بر اساس نتایج تحقیق، برخی از مهمترین راهکارها برای رفع مشکلات اشاره شده عبارت بودند از: تأکید جدی بر پایبندی دستگاه‌های اجرایی به رعایت قوانین، انجام حمایت‌های لازم از طریق اصلاح قوانین و مقررات و تطبیق آن با شرایط کارآفرینان، ارائه آموزش‌های عمومی و تخصصی موردنیاز تعاونی‌ها و همچنین ارائه آموزش‌های کارآفرینی به طور مستمر برای اعضا، مدیران و کارکنان. کمالیان و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با هدف «مطالعه عوامل تأثیرگذار بر توسعه کارآفرینی زنان و نقش آن در پیاده‌سازی توسعه پایدار» به این نتایج دست یافتند که فراهم شدن شرایط مناسب سازمانی، تأثیر بسیار زیادی در تمایل کارکنان به کارآفرینی دارد؛ بدین معنی که ویژگی‌های کارآفرینی با رسمیت زیاد، کنترل شدید، سیستم پاداش نامناسب، عدم وجود حمایت مدیریت فاکتورهایی هستند که نوآوری را در زنان از بین می‌برد. البته مهارت‌ها و وجود ویژگی‌های کارآفرینی در نیروی انسانی، در نهادینه شدن کارآفرینی در زنان بسیار مؤثر است. در آخر نیز حمایت مدیریت مانند حمایت‌های مالی، ارتباط نزدیک‌تر با صاحبان ایده و حمایت از آموزش‌های کارآفرینی در سازمان، بیشترین تأثیر را بر توسعه کارآفرینی زنان در سازمان دارد.

مدل لوندستریم و استیونسن

استیونسن و لوندستریم در سال ۲۰۰۵ در تحقیقی به بررسی خط مشی‌های دولتی مرتبط با کارآفرینی پرداختند و خط مشی‌های دولتی مرتبط با کارآفرینی را به چهار دسته اصلی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط، تمرکز بر گروه‌های خاص، تأسیس یک شرکت جدید و خط مشی کل‌گرا. هر یک از این خط مشی‌ها از لحاظ هدف، تأکید، رویکرد و ساختار با یکدیگر متفاوت هستند و مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و یا چالش‌ها را به وجود می‌آورند.^۱

توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط

در این خط مشی، فعالیت‌ها در جهت حمایت از صاحبان کسب و کارهای جدید و کارآفرینان نوپا انجام می‌شود که مکمل خدمات و برنامه‌های شرکت‌های کوچک و متوسط است. چنین خدماتی عمدتاً در سطح محلی توسط «سازمان‌های حمایت کسب و کار» و «سازمان‌های توسعه اقتصادی مانند سازمان نوسازی و گسترش صنایع» انجام می‌شوند. این خط مشی‌ها شامل آموزش خوداشتغالی، مشاوره در زمینه برنامه‌های کسب و کار و شرکت‌های نوپا، جایزه‌های محلی و یا حمایت از فعالیت‌های مخاطره‌آمیز نوپا می‌شود.

تمرکز بر گروه‌های خاص

در این خط مشی، دولت تلاش‌های کارآفرینی هدفمندی را برای گروه‌های ویژه جامعه که دارای فرصت‌های بالقوه برای افزایش مالکیت کسب و کارند، اختصاص می‌دهد. در این خط مشی، «گروه‌های خاص» به دو گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

الف) این دسته شامل گروه‌هایی مانند: زنان، جوانان، اقلیت‌های قومی، معلولان و ... است. این افراد با موانع اجتماعی، اقتصادی یا ذهنی خاصی مواجه هستند که توانایی آنها را در دسترسی به منابع محدود می‌کند و حمایت‌های لازم برای ادامه یک کسب و کار نوپای موفق را برای آنها مشکل می‌سازد. دولت با مدنظر قرار دادن این موانع، چاره‌اندیشی‌هایی را برای فائق آمدن بر این مشکلات انجام می‌دهد. بدین ترتیب، اهداف جامع اجتماعی مانند ارائه خدمات پشتیبانی کسب و کار، ایجاد مراکز خدمات مشاوره‌ای که علاوه بر برنامه‌های اعطای وام به آموزش و ارزیابی نیز می‌پردازند، شکل می‌گیرد.

ب) افرادی که از ظرفیت زیادی برای تبدیل شدن به کارآفرینان نوآور یا کارآفرینان فن‌آور برخوردارند. این افراد دارای زمینه مساعدی برای تأسیس شرکت‌هایی با رشد سریع هستند، مانند پژوهشگران و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی. هدف این رویکرد، تشویق تولیداتی با ارزش افزوده بالا است که رشد اقتصادی و تولید ثروت را تسریع می‌کنند، مانند پشتیبانی از فرآیند تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی، تأمین سرمایه برای فعالیت‌های مخاطره‌آمیز، ارائه مشوق‌های مالیاتی، تأمین سرمایه مراکز رشد و برنامه‌های مشاوره.

1. Lunderstom & Stevenson, 2002: Stevenson & Fellow, 2002

تأسیس یک شرکت جدید

این خط مشی بر ساده‌سازی و تسهیل فرآیند خلق یک کسب و کار و کاهش موانع ایجاد شرکت‌های نوپا تأکید دارد. این خط مشی می‌تواند شامل بررسی فرآیند تشکیل شرکت و رویه‌های خلق کسب و کار، کاهش زمان و هزینه‌های مربوط به فرآیند ثبت شرکت، کوتاه‌سازی فرآیند تأسیس شرکت و مشاوره‌ها مرتبط با آن باشد.

خط مشی کل‌گرا

در این رویکرد، خط مشی کارآفرینی از طریق وزارتخانه‌های دولتی اجرا می‌شود و دربرگیرنده تلاش‌هایی است که منجر به بهبود دسترسی به منابع می‌شود، همچنین در برگیرنده حمایت‌هایی است که شامل کمک مالی، آموزش کارآفرینی به صورت یکپارچه و منسجم و ارتقا دادن فرهنگ و جو کارآفرینی می‌شود.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ گردآوری داده و اطلاعات از نوع آمیخته است که شامل نخست تحقیق کیفی و روش دلفی فازی و سپس روش تحقیق کمی روش مدل معادلات ساختاری و آزمون تحلیل عاملی است. از طرفی با توجه به این که هدف تحقیقات توسعه دانش کاربردی، در یک زمینه خاص است و تحقیقات کاربردی، به سمت کاربرد عملی دانش، هدایت می‌شود. این تحقیق با توجه به این که از ابعاد و مؤلفه‌های الگوهای مطرح شده در زمینه‌ی توسعه کارآفرینی زنان به منظور ارائه یک مدل استفاده می‌نماید، از نظر هدف، تحقیق کاربردی و توسعه‌ای است. از طرفی با توجه به این که هدف تحقیقات توسعه دانش کاربردی، در یک زمینه خاص است و تحقیقات کاربردی، به سمت کاربرد عملی دانش، هدایت می‌شود. این تحقیق با توجه به این که از ابعاد و مؤلفه‌های الگوهای مطرح شده در زمینه‌ی توسعه کارآفرینی زنان به منظور ارائه یک مدل استفاده می‌نماید، از نظر هدف، تحقیق کاربردی و توسعه‌ای است. این تحقیق از لحاظ گردآوری داده و اطلاعات از نوع آمیخته است که شامل نخست تحقیق کیفی و روش دلفی فازی و سپس روش تحقیق کمی روش مدل معادلات ساختاری و آزمون تحلیل عاملی است.

روش گردآوری داده‌ها

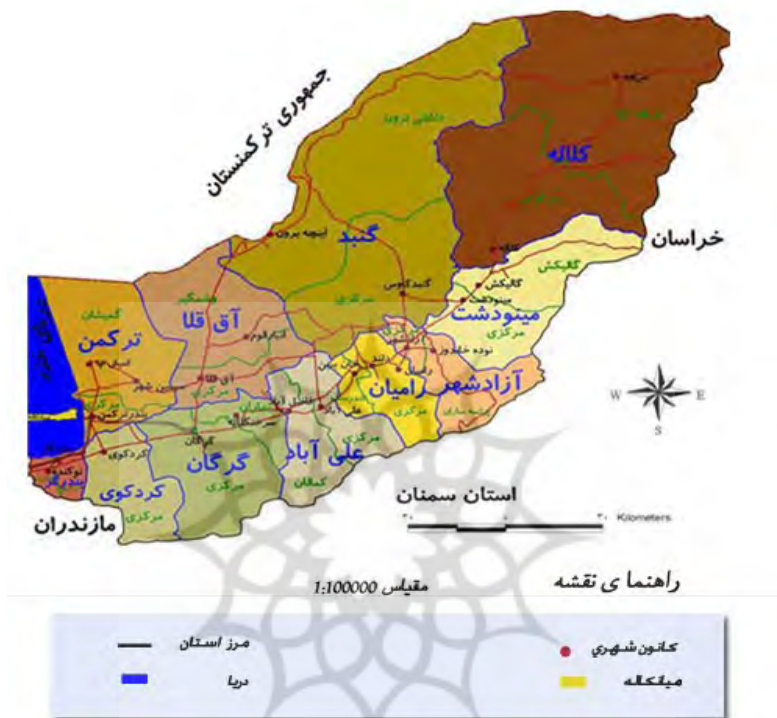
در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات درباره مبانی نظری و ادبیات موضوع از روش مطالعات کتابخانه‌ای و ارائه الگو از روش مطالعات میدانی استفاده شده است. در مجموع روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق عبارتند از:

- مطالعه کتب، نشریات و متون تخصصی از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی (اینترنت)، کتابخانه‌ها و ... به منظور دستیابی به مبانی نظری و در عین حال، استفاده از تجربه‌های گوناگون محققین دیگر.
- استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته یا اساتید و صاحب نظران کارآفرینی در جهت اصلاح، بهبود و تأیید ابزار اندازه‌گیری پژوهش. نتایج مصاحبه‌ها در ادامه در بخش بررسی دیدگاه‌های صاحب نظران ارائه می‌گردد.
- استفاده از پرسش‌نامه به عنوان اصلی‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات برای دستیابی به داده‌های موردنظر.

جامعه و نمونه آماری

۱- متخصصان، صاحب نظران (۲۰ نفر از زنان کارآفرین شهری برتر استان گلستان)

۲- جامعه آماری شامل زنان کارآفرین شهری استان گلستان می‌باشد شکل (۱). در حال حاضر ۵۰۰ زن کارآفرین در استان گلستان مشغول به فعالیت می‌باشند که بر اساس جدول مورگان، تعداد ۱۹۸ نفر را به عنوان نمونه در نظر گرفتیم و به روش نمونه‌گیری تصادفی نامنظم انتخاب نمودیم.



شکل (۱). موقعیت جغرافیایی استان گلستان

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش با استفاده از آمار توصیفی شامل توزیع فراوانی و نمودارهای مختلف و متغیرهای جمعیت-شناختی نمونه‌ی آماری (صاحب نظران و نمونه آماری) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، سپس با استفاده از روش فرآیند سلسله تحلیل مراتبی با استفاده از نرم‌افزار Expert choice 11 مؤلفه‌های شناسایی شده در رابطه با زنجیره ارزش کارآفرینی، اولویت‌بندی و در مرحله بعد نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلو موگروف اسمیرنوف مورد ارزیابی و برای بررسی وضعیت مؤلفه‌های شناسایی شده از آزمون t و جهت سنجش روابط ساختاری ابعاد مدل توسعه کارآفرینی زنان مبتنی بر زنجیره ارزش کارآفرینی با رویکرد توسعه پایدار اجتماعی از تحقیق همبستگی و مدلیابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS و آزمون تحلیل عاملی جهت بررسی روابط بین متغیرها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نهایت مدل نهایی الگوی تحقیق سنجش و برازش گردید.

روایی و پایایی

پس از طراحی اولیه پرسشنامه، جهت افزایش روایی از تعدادی از صاحب نظران بهره گرفته شد و برخی از مؤلفه‌های مربوط به زنجیره ارزش کارآفرینی و مورد جرح و تعدیل قرار گرفت. علاوه بر آن پرسشنامه روش AHP دارای شکل و ساختار ثابتی می‌باشد که در این تحقیق با توجه به پیچیدگی جدول AHP، نوع طراحی آن با استفاده از نظرات صاحب نظران تغییر کرده است که به این ترتیب پیچیدگی نهفته در جداول AHP تا حد زیادی از بین رفته است. همچنین با عنایت به این که در روش AHP نرخ ناسازگاری پاسخ‌ها محاسبه می‌شود و پاسخ‌های با نرخ ناسازگاری بالا کنار گذاشته می‌شود، به نوعی نشان‌دهنده پایایی پاسخ‌ها نیز می‌باشد. در نهایت روایی پرسش‌نامه‌های مربوط به مدل توسعه کارآفرینی زنان بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی با رویکرد توسعه پایدار اجتماعی بر اساس نظر صاحب نظران و روایی همگرایی و پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی به دست آمده است.

نتایج

نتایج به دست آمده از این تحقیق دو قسمت یافته‌های توصیفی و استنباطی به شرح ذیل می‌باشد:

یافته‌های توصیفی

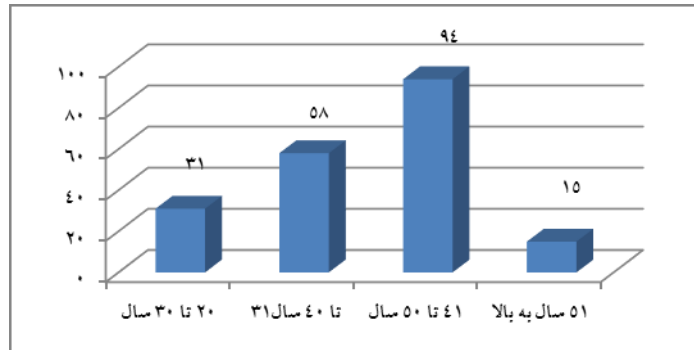
به منظور شناخت بهتر جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری لازم است این داده‌ها توصیف شوند. همچنین توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آنان و پایه‌ای برای تبیین روابط متغیرهایی است که در پژوهش به کار می‌روند جدول (۱).

سن

از میان پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه از لحاظ سن، ۱۶ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۹ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۷ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۸ درصد ۵۱ سال به بالا بوده‌اند شکل (۲).

جدول (۱). فراوانی گروه‌های سنی کارآفرینان

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۲۰ تا ۳۰ سال	۳۱	٪۱۶	٪۱۶
۳۱ تا ۴۰ سال	۵۸	٪۲۹	٪۴۵
۴۱ تا ۵۰ سال	۹۴	٪۴۷	٪۹۲
۵۱ سال به بالا	۱۵	٪۸	٪۱۰۰
جمع کل	۱۹۸		



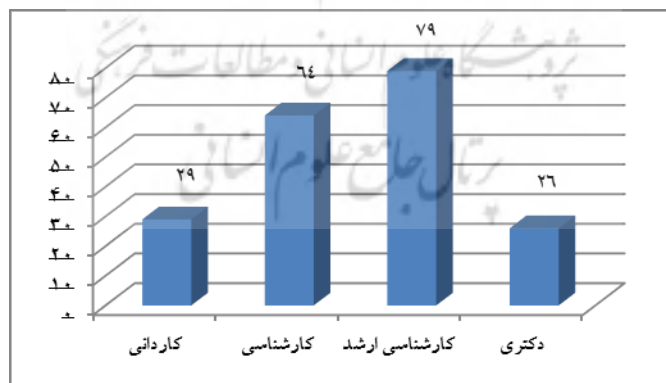
شکل (۲). فراوانی گروه‌های سنی

تحصیلات

از میان پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه از لحاظ تحصیلات، ۱۵ درصد کاردانی، ۳۲ درصد کارشناسی، ۴۰ درصد کارشناسی ارشد، ۱۳ درصد دکتری بوده‌اند جدول (۲) و شکل (۳).

جدول (۲). فراوانی گروه‌های تحصیلات کارآفرینان

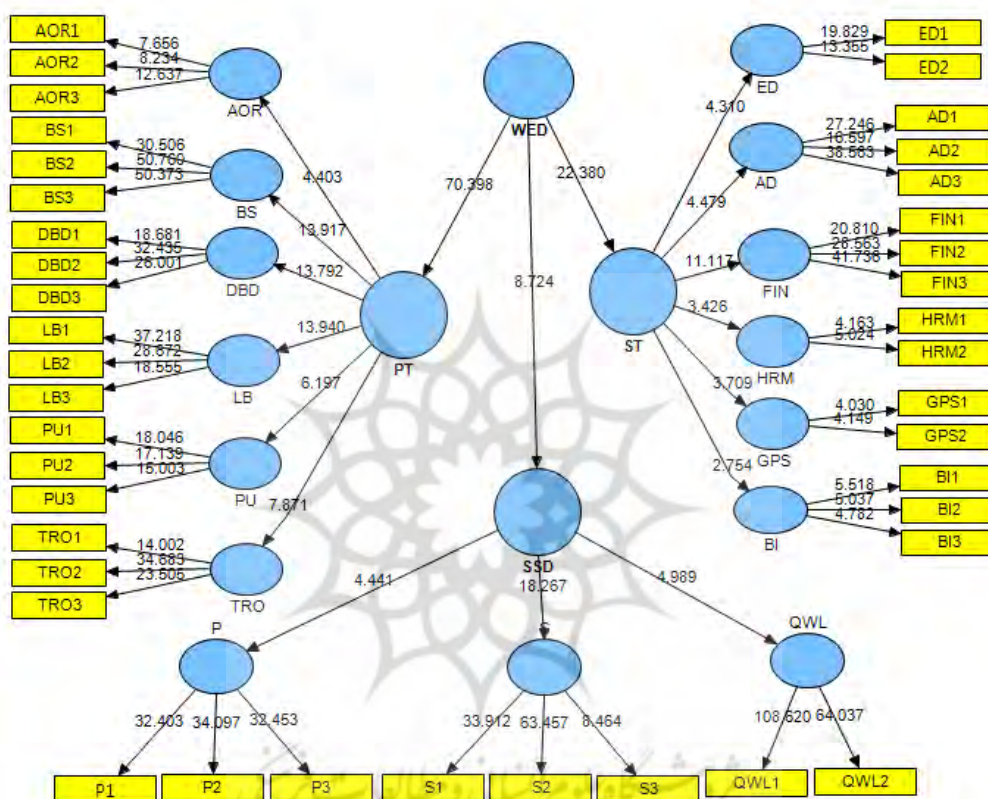
تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
کاردانی	۲۹	٪۱۵	٪۱۵
کارشناسی	۶۴	٪۳۲	٪۴۷
کارشناسی ارشد	۷۹	٪۴۰	٪۸۷
دکتری	۲۶	٪۱۳	٪۱۰۰
جمع کل	۱۹۸		



شکل (۳). نمودار فراوانی تحصیلات

یافته‌های استنباطی

در این مقاله، ابتدا مدل توسعه کارآفرینی زنان بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی با رویکرد توسعه پایدار اجتماعی ارائه گردید که با توجه به مقدار به دست آمده برای GOS به میزان ۰/۶۴۳ جدول (۳) و شکل (۴) برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید شد.



شکل (۴). مدل ساختاری تحقیق همراه با ضرایب معناداری

جدول (۳). نتایج برازش مدل کلی

اروابط	متغیرهای تحقیق	بrazش
۰/۸۵۱	۰/۴۸۶	۰/۶۴۳

فعالیت‌های اولیه

جدول (۴) از میزان نمرات کسب شده بین ۱ تا ۱۰ برای بدبینانه و خوش‌بینانه که با توجه به نظر ۲۰ نفر از صاحب نظران در مورد میزان درجه اهمیت زیر معیارها و شاخص‌های فعالیت‌های اولیه به دست آمده است.

جدول (۲). انتخاب مناسب ترین معیار بر اساس روش دلفی فازی فعالیت های اولیه

مقدار معنی داری	میانگین هندسی		مقدار خوش بینانه		مقدار بدبینانه		ابعاد
	U_m^i	I_m^i	بیشترین	کمترین	بیشترین	کمترین	
							فکر و تشخیص فرصت
۱۰/۳۳	۸/۹۷	۴/۹۹	۱۰	۸	۸	۲	خلق فکر و شناسایی فرصت
۱۲/۳۸	۷/۹۶	۵/۵۱	۹	۷	۹	۳	ارزشیابی فکر و فرصت
۲/۹۳	۶/۴۲	۴/۱۸	۷	۴	۵	۴	انتخاب فکر و فرصت
۱۱/۳۶	۷/۹۶	۵/۹۲	۹	۷	۸	۳	پیشنهاد و روش های پیاده سازی
							تدوین طرح و کسب و کار
۹/۷۲	۹/۱۷	۴/۵۶	۱۰	۸	۸	۲	معرفی طرح و محاسبه شاخص های طرح
۳/۱۲	۶/۶۱	۵/۱۴	۸	۵	۶	۵	خلاصه مدیریتی و طرح بازاریابی
۹/۸۳	۹/۱۷	۴/۶۵	۱۰	۸	۸	۲	تحلیل محیطی و تحلیل صنعتی
۹/۳۶	۹/۰۷	۴/۸۹	۱۰	۸	۸	۳	مطالعات و بررسی فنی و مالی
							جذب منابع و سازماندهی
۱۱/۲۸	۸/۰۶	۵/۹۲	۹	۷	۸	۳	تأمین عوامل انسانی مورد نیاز از طریق جذب، نگهداری و رشد کارکنان مستعد برای تحقق برنامه های تنظیم شده
۹/۱۴	۹/۵۸	۵/۶۸	۱۰	۸	۸	۴	رفتارهای حمایتی مدیریتی به منظور توانمندسازی کارکنان و افزایش عملکرد فردی و گروهی
۱۰/۹۶	۸/۵۸	۵/۲۸	۱۰	۸	۸	۳	تعریف نمودن وظایف و مسئولیت های عناصر موجود در ساختار سازمانی و برقراری ارتباط بین مشاغل با افراد برای کسب بهینه اهداف
۲/۹۳	۶/۴۲	۴/۱۸	۷	۴	۵	۴	طراحی و انتخاب ساختارهای سازمان در راستای هدایت اختیارات و اجرای هماهنگ فعالیت ها
۳/۱۳	۶/۴۱	۴/۱۲	۸	۴	۵	۳	طبقه بندی فعالیت ها بر حسب مشاغل و منصب های سازمان و اطمینان از هماهنگی کسب و کار و سازمان
							راه اندازی کسب و کار
۱۱/۰۸	۸/۱۱	۵/۸۳	۹	۷	۸	۳	تهیه مجوزهای مورد نیاز و محل اجرای طرح
۸/۹۴	۹/۵۸	۵/۴۴	۱۰	۸	۸	۴	تأسیس یکی از شرکت های تجاری یا فعالیت انفرادی
۱۰/۲۱	۸/۵۸	۵/۴۶	۱۰	۸	۸	۳	انجام فرایندهای عملیاتی لازم برای شروع کار
۲/۸۹	۶/۴۲	۴/۳۷	۷	۴	۵	۴	آغاز به کار شرکت
							بلوغ و تثبیت
۳/۷۷	۶/۵۰	۴/۰۰	۸	۴	۵	۲	ارائه محصول و خدمات برای رسیدن به بلوغ و تثبیت
۱۲/۹۶	۷/۹۶	۵/۷۷	۹	۷	۹	۴	غلبه بر مسائل مالی و مدیریتی و ارائه طرح هایی برای حفظ بلوغ و تثبیت
۱۲/۸۵	۷/۹۶	۵/۷۲	۹	۷	۹	۴	افزایش سرعت و توان مدیریتی برای غلبه بر رخدادهای تهدیدکننده ای ادامه حیات و استفاده از مکانیزم بازخورد برای بهبود فرآیند و کیفیت
۳/۱۰	۶/۶۱	۵/۱۹	۸	۵	۶	۵	کاهش ایده های نوآورانه و عدم تمایل به پذیرفتن ریسک برای پایداری ثبات
۱۱/۱۲	۸/۰۶	۵/۸۳	۹	۷	۸	۳	اشباع بازار، ایجاد ثبات در بازار سرمایه و کسب و کار و عدم تمایل برای دستیابی به بازارهای جدید و فناوری های

نوین							
خروج از کسب و کار							
۱۳/۲۰	۷/۹۶	۵/۸۷	۹	۷	۹	۳	شناسایی فرصت‌های بهتر کسب و کار
۹/۱۰	۹/۰۷	۴/۶۲	۱۰	۸	۸	۳	شرایط نامساعد محیطی و قانونی برای کسب و کار
۱۰/۹۴	۸/۶۷	۵/۳۰	۹	۷	۸	۲	برآورد کردن چشم‌انداز مثبت برای آینده
۲/۲۲	۶/۶۸	۴/۱۸	۹	۴	۵	۴	مشکلات مدیریتی و اداره‌ی کسب و کار، شراکتی، مالی و عاطفی

* حد آستانه = ۸/۴۲

با توجه به اینکه مقدار حد آستانه که از میانگین ستون مقدار معنی‌داری (۸/۴۲) بدست آمده است. بنابراین از میان ۲۶ بعد موجود، ابعاد: انتخاب فکر و فرصت، خلاصه مدیریتی و طرح بازاریابی، طراحی و انتخاب ساختارهای سازمان در راستای هدایت اختیارات و اجرای هماهنگ فعالیت‌ها، طبقه‌بندی فعالیت‌ها بر حسب مشاغل و منصب‌های سازمان و اطمینان از هماهنگی کسب و کار و سازمان، آغاز به کار شرکت، کاهش ایده-های نوآورانه و عدم تمایل به پذیرفتن ریسک برای پایداری ثبات و مشکلات مدیریتی و اداره‌ی کسب و کار، شراکتی، مالی و عاطفی در مقایسه با سایر ابعاد مقدار معناداری آن‌ها کمتر از حد آستانه (۸/۴۲) می‌باشد حذف خواهند شد. بنابراین سایر ابعاد با توجه اینکه مقدار معناداری آن‌ها بیشتر از حد آستانه می‌باشد، انتخاب خواهند شد.

فعالیت‌های پشتیبانی

جدول (۵) از میزان نمرات کسب شده بین ۱ تا ۱۰ برای بدبینانه و خوش بینانه که باتوجه به نظر ۲۰ نفر از صاحب نظران در مورد میزان درجه اهمیت زیر معیارها و شاخص‌های فعالیت‌های پشتیبانی به دست آمده است.

جدول (۵). انتخاب مناسب‌ترین معیار بر اساس روش دلفی فازی فعالیت‌های پشتیبانی

مقدار معنی داری	میانگین هندسی		مقدار خوش بینانه		مقدار بدبینانه		ابعاد
	U_m^i	I_m^i	بیشترین	کمترین	بیشترین	کمترین	
							آموزش
۱۰/۳۳	۸/۹۷	۴/۹۹	۱۰	۸	۸	۲	آموزش مهارت‌های کارآفرینی نیروی فنی و مدیریتی
۳/۱۳	۶/۴۱	۴/۱۲	۸	۴	۵	۳	آموزش مدیریت فنی کسب و کار
۲/۹۳	۶/۴۲	۴/۱۸	۷	۴	۵	۴	آموزش مهارت‌های مالی و حسابداری
۱۱/۳۶	۷/۹۶	۵/۹۲	۹	۷	۸	۳	آموزش مدیریت توسعه، کنترل و بازاریابی
							مشاوره
۹/۷۲	۹/۱۷	۴/۵۶	۱۰	۸	۸	۲	مشاوره در زمینه تسهیلات و یا موانع دولتی در خصوص کسب و کارها
۱۰/۲۱	۸/۵۸	۵/۴۶	۱۰	۸	۸	۳	مشاوره در زمینه استفاده بهینه از تکنولوژی در کسب و کار
۳/۷۱	۶/۳۷	۴/۱۲	۷	۴	۵	۳	مشاوره جهت تهیه برنامه‌های بیمه و بازاریابی
۴/۲۸	۶/۶۵	۴/۹۷	۸	۵	۶	۴	مشاوره در زمینه مواد قانونی و حقوقی ایران در زمینه-های مرتبط با کسب و کار

۱۰/۰۹	۸/۶۳	۵/۳۹	۱۰	۸	۸	۳	مشاوره در زمینه تأمین منابع مالی و جذب نیروی انسانی
							تأمین منابع مالی
۱۱/۲۸	۸/۰۶	۵/۹۲	۹	۷	۸	۳	بانک‌های تجاری در قالب تسهیلات، وام و پس‌انداز
۳/۷۵	۶/۴۶	۳/۹۵	۸	۴	۵	۲	وام‌دهندگان به پشتوانه دارایی و عرضه‌کننده سهام و تجهیزات
۱۰/۹۶	۸/۵۸	۵/۲۸	۱۰	۸	۸	۲	فرشتگان کسب و کار
۱۱/۱۲	۸/۰۶	۵/۸۳	۹	۷	۸	۳	شرکت‌های سرمایه‌گذار مخاطره‌پذیر
							مدیریت منابع انسانی
۱۱/۲۴	۸/۱۱	۵/۹۲	۹	۷	۸	۳	تجزیه و تحلیلی شغل و برنامه‌ریزی منابع انسانی
۳/۸۲	۷/۰۰	۴/۶۶	۹	۴	۶	۳	گزینش داوطلبان واجد شرایط، توجیه و آموزش کارکنان و ارزیابی عملکرد
۲/۵۳	۵/۷۲	۳/۲۶	۸	۴	۴	۲	برقراری ارتباط با کارکنان، مدیریت حقوق و دستمزد و ایجاد انگیزه
۱۲/۳۸	۷/۹۶	۵/۵۱	۹	۷	۹	۳	توسعه نیروی انسانی، آموزش و متعهد نمودن کارکنان به سازمان
							سیاست‌ها و حمایت‌های حکومتی
۱۳/۰۴	۷/۹۶	۵/۸۰	۹	۷	۹	۳	فرهنگ‌سازی و ترویج روحیه کارآفرینی
۱۲/۹۶	۷/۹۶	۵/۷۷	۹	۷	۹	۳	اصلاحات ساختاری و نهادسازی
۲/۵۸	۶/۶۵	۵/۱۴	۹	۵	۶	۵	آموزش دولتی از راه دور و رسانه‌ای
۴/۳۰	۵/۶۴	۳/۶۸	۷	۴	۵	۲	ایجاد مراکز رشد و اطلاع‌رسانی
							زیرساخت‌های اساسی (فرهنگی، اقتصادی، فیزیکی، تجاری و ...)
۱۳/۱۵	۸/۰۱	۵/۸۷	۹	۷	۹	۳	سطح فرهنگ کار
۹/۱۱	۸/۰۳	۴/۶۲	۱۰	۸	۸	۳	تعهدات اخلاقی و سخت‌کوشی
۹/۲۲	۸/۷۲	۵/۳۰	۱۰	۷	۸	۲	شرایط فیزیکی کشور به لحاظ منابع طبیعی، جغرافیایی، جمعیتی، قیمت، انرژی، زیرساخت‌های مخابراتی
۲/۱۹	۶/۵۹	۴/۱۸	۹	۴	۵	۴	روابط تجاری، نوع بازاریابی و سلايق مشتری

* حد آستانه = ۷/۹۷

با توجه به این که مقدار حد آستانه که از میانگین ستون مقدار معنی‌داری (۷/۹۷) بدست آمده است. بنابراین از میان ۲۵ بعد موجود، ابعاد: آموزش مدیریت فنی کسب و کار، آموزش مهارت‌های مالی و حسابداری مشاوره جهت تهیه برنامه‌های بیمه و بازاریابی، مشاوره در زمینه مواد قانونی و حقوقی ایران در زمینه‌های مرتبط با کسب و کار، وام‌دهندگان به پشتوانه دارایی و عرضه‌کننده سهام و تجهیزات، گزینش داوطلبان واجد شرایط، توجیه و آموزش کارکنان و ارزیابی عملکرد، برقراری ارتباط با کارکنان، مدیریت حقوق و دستمزد و ایجاد انگیزه، آموزش دولتی از راه دور و رسانه‌ای، ایجاد مراکز رشد و اطلاع‌رسانی و روابط تجاری، نوع بازاریابی و سلايق مشتری در مقایسه با سایر ابعاد مقدار معناداری آن‌ها کمتر از حد آستانه (۷/۹۷) می‌باشد حذف خواهند شد. بنابراین سایر ابعاد با توجه اینکه مقدار معناداری آن‌ها بیشتر از حد آستانه می‌باشد، انتخاب خواهند شد. جدول (۵).

جدول (۶). انتخاب مناسب‌ترین معیار بر اساس روش دلفی فازی توسعه پایدار اجتماعی

مقدار معنی داری	میانگین هندسی		مقدار خوش بینانه		مقدار بدبینانه		ابعاد
	U_m^i	I_m^i	بیشترین	کمترین	بیشترین	کمترین	
							مشارکت
۹/۶۱	۸/۹۷	۵/۰۹	۱۰	۸	۸	۳	حس تعلق و وابستگی و تعامل اجتماعی
۳/۸۰	۶/۹۶	۴/۶۰	۹	۴	۶	۳	تعامل اجتماعی
۹/۳۵	۸/۲۳	۵/۶۷	۹	۶	۷	۱	مسئولیت‌پذیری
۳/۷۶	۵/۵۶	۳/۵۲	۶	۴	۴	۲	فرصت‌های برابر و رضایت از مشارکت پیوستگی
۹/۴۸	۹/۵۶	۶/۰۴	۱۰	۸	۸	۴	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی
							امنیت
۹/۳۶	۹/۰۷	۴/۸۹	۱۰	۸	۸	۳	امنیت و اعتماد اجتماعی و حمایت‌های اطلاعاتی
۲/۹۵	۶/۴۲	۴/۰۹	۷	۴	۵	۴	ارتقاء امنیت انسانی و عدالت اجتماعی و کاهش یا فقدان جرم
۱۰/۴۸	۸/۵۶	۴/۹۸	۱۰	۸	۸	۲	رضایت از کیفیت خدمات و دسترسی آسان به خدمات
۸/۱۲	۹/۴۵	۶/۱۹	۱۰	۷	۸	۴	اعتماد مدنی یا نهادی و بین فردی و حمایت‌های مالی
۴/۲۰	۵/۶۴	۳/۶۸	۷	۴	۵	۲	ادراک و احساس عموم و توانمندسازی روان‌شناختی
							کیفیت زندگی کاری
۸/۹۴	۹/۵۸	۵/۴۴	۱۰	۸	۸	۴	عدالت اجتماعی، افزایش بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های اشتغال و ایجاد درآمد
۹/۴۸	۹/۵۶	۶/۰۴	۱۰	۸	۸	۴	رضایت از فرصت‌های شغلی و تضمین آموزش، اشتغال و حقوق اولیه انسانی
۱۰/۸۲	۸/۳۷	۵/۷۹	۹	۷	۸	۳	حفظ ارزش‌های اجتماعی، شفافیت، برابری، رفاه و حفظ کیفیت خدمات و امنیت

* حد آستانه = ۷/۷۲

با توجه به این که مقدار حد آستانه که از میانگین ستون مقدار معنی‌داری (۷/۷۲) بدست آمده است. بنابراین از میان ۱۳ بعد موجود، ابعاد: تعامل اجتماعی، فرصت‌های برابر و رضایت از مشارکت پیوستگی، ارتقاء امنیت انسانی و عدالت اجتماعی و کاهش یا فقدان جرم، ادراک و احساس عموم و توانمندسازی روان‌شناختی، رضایت از فرصت‌های شغلی و تضمین آموزش، اشتغال و حقوق اولیه انسانی در مقایسه با سایر ابعاد مقدار معناداری آن‌ها کمتر از حد آستانه (۷/۷۲) می‌باشد حذف خواهند شد. بنابراین سایر ابعاد با توجه اینکه مقدار معناداری آن‌ها بیشتر از حد آستانه می‌باشد، انتخاب خواهند شد جدول (۶).

جدول (۷). اولویت‌بندی مولفه‌های زنجیره ارزش کارآفرینی بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی AHP

ابعاد	وزن ابعاد	شاخصه‌ها	وزن شاخصه‌ها	رتبه	وزن نهایی شاخصه‌ها	رتبه نهایی
فعالیت‌های اولیه	۰/۳۱۶	فکر و تشخیص فرصت	۰/۲۸۰	۱	۰/۰۸۸	۵
		تدوین طرح کسب و کار	۰/۱۵۰	۳	۰/۰۴۷	۹
		جذب منابع و سازماندهی	۰/۱۵۸	۲	۰/۰۵۰	۸

		راه اندازی کسب و کار	۰/۱۴۴	۴	۰/۰۴۶	۱۰
		بلوغ و تثبیت	۰/۱۳۷	۵	۰/۰۴۳	۱۱
		خروج از کسب و کار	۰/۱۳۲	۶	۰/۰۴۲	۱۲
فعالیت های پشتیبانی	۰/۶۸۴	آموزش	۰/۲۳۹	۱	۰/۱۶۳	۱
		مشاوره	۰/۱۱۹	۵	۰/۰۸۱	۶
		تأمین منابع مالی	۰/۲۱۴	۲	۰/۱۴۶	۲
		مدیریت منابع انسانی	۰/۱۰۳	۶	۰/۰۷۰	۷
		سیاست ها و حمایت های حکومتی	۰/۱۷۰	۳	۰/۱۱۶	۳
		زیرساخت های اساسی (فرهنگی، اقتصادی، فیزیکی، تجاری و...)	۰/۱۵۵	۴	۰/۱۰۶	۴

در زمینه توسعه کارآفرینی زنان بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی در فعالیتهای اولیه خلق فکر و شناسایی فرصت اولویت زنان، جذب منابع و سازماندهی، تدوین طرح کسب و کار، راه اندازی کسب و کار، بلوغ و تثبیت، خروج از کسب و کار به ترتیب اولویتهای بعدی آنها بودند. در فعالیتهای پشتیبانی آموزش اولویت اول، تأمین منابع مالی، سیاستها و حمایت های حکومتی، زیرساخت های اساسی (فرهنگی، اقتصادی، فیزیکی، تجاری و ...)، مشاوره و مدیریت منابع انسانی اولویتهای بعدی زنان بودند جدول (۷).

جدول (۸). نتایج آزمون تی تست

وضعیت	نتیجه معناداری	آزمون یک نمونه ای		سطح اطمینان ۹۵ درصد			انحراف معیار	میانگین	شاخصها	ابعاد
		درجه آزادی	آزمون t	سطح معنی داری	حد پایینی	حد بالایی				
مطلوب است	است	۱۱/۶۱۳	۱۹۷	۰/۰۰۰	۰/۶۲۰	۰/۸۷۴	۰/۹۰۵	۳/۷۴۷	فکر و تشخیص فرصت	فعالیت های اولیه
مطلوب است	نیست	۰/۹۸۳	۱۹۷	۰/۳۲۷	-۰/۰۶۴	۰/۱۹۲	۰/۹۱۵	۳/۰۶۴	تدوین طرح و کسب و کار	
مطلوب نیست	است	-۳/۹۸۵	۱۹۷	۰/۰۰۰	-۰/۴۱۰	-۰/۱۳۸	۰/۹۶۹	۲/۷۲۵	جذب منابع و سازماندهی	
مطلوب است	نیست	۱/۱۴۵	۱۹۷	۰/۲۵۴	-۰/۰۵۴	۰/۲۰۶	۰/۹۳۱	۳/۰۷۵	راه اندازی کسب و کار	
مطلوب است	نیست	۱/۱۷۰	۱۹۷	۰/۲۴۵	-۰/۷۰۷	۰/۲۷۴	۰/۹۰۴	۳/۱۰۱	بلوغ و تثبیت	
مطلوب است	نیست	۱/۴۵۱	۱۹۷	۰/۱۴۸	-۰/۰۳۳	۰/۲۱۸	۰/۸۹۷	۳/۰۹۲	خروج از کسب و کار	
مطلوب است	است	۳/۴۶۹	۱۹۷	۰/۰۰۱	۰/۱۱۰	۰/۴۰۰	۱/۰۳۴	۳/۲۵۵	آموزش	فعالیت های پشتیبانی
مطلوب است	است	۴/۷۹۸	۱۹۷	۰/۰۰۰	۰/۳۰۴	۰/۷۳۲	۱/۲۲۴	۳/۵۱۸	مشاوره	
مطلوب نیست	است	-۱/۹۶۹	۱۹۷	۰/۰۴۹	-۰/۲۵۹	۰/۰۰۰	۰/۹۲۶	۲/۸۷۰	تأمین منابع مالی	
مطلوب است	است	-۲/۹۹۱	۱۹۷	۰/۰۰۳	-۰/۳۳۹	-۰/۰۶۹	۰/۹۶۲	۲/۷۹۵	مدیریت منابع	

انسانی										
سیاست‌ها و حمایت‌های حکومتی	۳/۳۰۰	۰/۸۹۷	۰/۰۲۶	۰/۲۲۵	۰/۱۲۱	۱۹۷	۱/۵۵۸	نیست	مطلوب است	
زیرساخت‌های اساسی	۲/۷۸۲	۰/۹۹۲	-۰/۰۷۸	-۰/۳۵۶	۰/۰۰۲	۱۹۷	-۳/۰۸۰	است	مطلوب نیست	
مشارکت	۳/۱۷۹	۱/۱۰۵	۰/۱۳۴	۰/۱۷۵	۰/۷۹۷	۱۹۷	۰/۲۵۷	نیست	مطلوب است	توسعه پایدار اجتماعی
امنیت	۳/۲۰۷	۰/۹۱۲	۰/۰۳۵	۰/۲۲۰	۰/۱۵۵	۱۹۷	۱/۴۲۸	نیست	مطلوب است	
کیفیت زندگی کاری	۳/۱۰۲	۱/۰۷۲	۰/۱۵۲	۰/۱۴۷	۰/۹۷۴	۱۹۷	۰/۰۳۳	نیست	مطلوب است	

سپس به بررسی این مطلب پرداخته شد که کدام یک از مؤلفه‌های فعالیت‌های اولیه و پشتیبانی در استان گلستان در رابطه با زنان و از دیدگاه آنها دارای وضعیت مطلوب و کدام یک وضعیت نامطلوبی دارند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در فعالیت‌های اولیه، خلق فکر و شناسایی فرصت از وضعیت مطلوب برخوردار و جذب منابع و سازماندهی وضعیت نامطلوبی دارند و در فعالیت‌های پشتیبانی آموزش، مشاوره، سیاست‌ها و حمایت‌های حکومتی از وضعیت مطلوب و زیرساخت‌های اساسی (فرهنگی، اقتصادی، فیزیکی، تجاری و ...)، تأمین منابع مالی و مدیریت منابع انسانی از وضعیت نامطلوبی برخوردارند. در نتیجه زنان با وجود این که در خلق فکر و شناسایی فرصت، تدوین طرح کسب و کار، راه‌اندازی کسب و کار موفق هستند و خود را به مرحله-ی بلوغ و تثبیت نیز می‌رسانند و در فعالیت‌های اولیه تا حد بالایی از توانمندی برخوردارند، اما به دلیل وضعیت نامطلوب زیرساخت‌های اساسی (فرهنگی، اقتصادی، فیزیکی، تجاری و ...)، تأمین منابع مالی و مدیریت منابع انسانی در فعالیت‌های پشتیبانی تا حد زیادی مجبور به خروج از کسب و کار می‌شوند. آنها معتقدند دولت و سازمان‌های پشتیبان تنها در زمینه‌های آموزش، مشاوره و حمایت‌های حکومتی برای آنها کمک‌کننده می‌باشد و عدم وجود زیرساخت‌های اساسی (فرهنگی، اقتصادی، فیزیکی، تجاری و ...)، تأمین منابع مالی و مدیریت منابع انسانی مشکلات زیادی را در زمینه‌ی توسعه‌ی کارآفرینی ایجاد می‌نماید. نتایج دیگر این تحقیق نشان می‌دهد در فعالیت‌های اولیه در مؤلفه‌های فکر و تشخیص فرصت پیشنهاد و روش پیاده‌سازی برایشان از اهمیت بالاتری برخوردار است و به ترتیب در تدوین طرح کسب و کار (تحلیل محیطی و تحلیل صنعتی)، در جذب منابع و سازماندهی (تأمین عوامل انسانی موردنیاز از طریق جذب، نگهداری و رشد کارکنان مستعد برای تحقق برنامه‌های تنظیم شده)، در راه‌اندازی کسب و کار (تأسیس یکی از شرکت‌های تجاری یا فعالیت‌های انفرادی)، در بلوغ و تثبیت (افزایش سرعت و توان مدیریتی برای غلبه بر رخدادهای تهدیدکننده‌ی ادامه‌ی حیات و استفاده از مکانیزم بازخورد)، در خروج از کسب و کار (شناسایی فرصت‌های بهتر کسب و کار) از اهمیت بالاتری برخوردارند.

در فعالیت‌های پشتیبانی در مؤلفه‌ی آموزش (مدیریت توسعه، کنترل و بازاریابی)، در مشاوره (مشاوره در زمینه‌ی تسهیلات و یا موانع دولتی در خصوص کسب و کار)، در تأمین منابع مالی (اقدام بانک‌های تجاری در قالب تسهیلات، وام و پس‌انداز)، در مدیریت منابع انسانی (تجزیه و تحلیل شغلی و برنامه‌ریزی منابع انسانی) و

در زیرساخت‌های اساسی (تعهدات اخلاقی و سخت‌کوشی) از اهمیت بالاتری برخوردارند. همچنین بعد از بررسی توسعه پایدار اجتماعی هر سه بعد امنیت، مشارکت و کیفیت زندگی کاری از مطلوبیت بالایی برخوردار بودند.

در مؤلفه‌های مشارکت (شرایط فیزیکی کشور به لحاظ منابع طبیعی و جغرافیایی، جمعیتی، قیمت، انرژی و زیرساخت‌های مخابراتی)، در مؤلفه‌های امنیت (رضایت از کیفیت خدمات و دسترسی آسان به خدمات، حفظ ارزش‌های اجتماعی، شفافیت، برابری، رفاه و حفظ کیفیت خدمات و امنیت) و در مؤلفه‌های کیفیت زندگی کاری (شفافیت، برابری، رفاه و حفظ کیفیت خدمات و امنیت) از اهمیت بالاتری برخوردارند.

جدول (۹). نتایج رابطه‌ی مستقیم و ضرایب معناداری مدل پژوهش

فرضیه	روابط علی بین متغیرهای پژوهش	علامت اختصاری	ضریب مسیر (β)	معناداری (T-Value)	نتیجه آزمون
اصلی	توسعه کارآفرینی زنان ← توسعه پایدار اجتماعی	WED---SSD	۰/۶۸۶	۸/۷۲۴	تایید فرضیه

بعد از بررسی توسعه کارآفرینی زنان بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی و توسعه پایدار اجتماعی، ارتباط معنی‌داری بین آنها وجود داشت جدول (۹).

کارآفرینی زنان شهری بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی

با توجه به این که حدود نیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و زنان در ردیف بزرگترین ذخایری هستند که هنوز از وجودشان استفاده بهینه به عمل نیامده است. این گروه کثیر که عهده‌دار تنظیم امور خانوادگی و تعیین‌کننده مسیر اقتصاد و خانواده محسوب می‌شوند، در امور اقتصادی و تنظیم بودجه خانوادگی دخالت مستقیم دارند و هر جنبشی که بخواهد رفاه اجتماعی و نظم اقتصادی را توسعه دهد، ناگزیر است که از توجه همکاری طبقه‌ای که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، بهره‌مند گردد، در عصر حاضر فراهم کردن زمینه‌های تازه برای مشارکت بیشتر زنان و بهره‌گیری جدی‌تر از قدرت تفکر، ابداع و خلاقیت آنان باید در سرفصل سرمایه‌های مدیریت نوین قرار گیرد (هاشمی، ۱۳۸۶).

با توجه به تعریف فوق و ماهیت کارآفرینی که در صنایع خدماتی جای می‌گیرد و بر مبنای زنجیره عام، مدل زنجیره ارزش کارآفرینی اهمیت ویژه‌ای می‌تواند داشته باشد و همانند زنجیره ارزش عام از فعالیت‌های اولیه و پشتیبانی تشکیل می‌شود.

فعالیت‌های اولیه در این زنجیره، فعالیت‌های جدا از یکدیگری هستند که شخص یا سازمان کارآفرین از مرحله ظهور فکر و تشخیص فرصت تا راه‌اندازی، تشبیت و رشد کسب و کار باید انجام دهد که شامل موارد ذیل می‌گردد:

۱. فکر و تشخیص فرصت؛
۲. تدوین طرح کسب و کار؛
۳. جذب منابع و سازماندهی؛

۴. راه‌اندازی کسب و کار؛

۵. بلوغ، تثبیت و خروج از کسب و کار.

فعالیت‌های پشتیبانی، فعالیت‌هایی می‌باشند که عمدتاً به وسیله افراد و سازمان‌هایی به غیر از کارآفرین انجام می‌شود (نظیر دولت، مؤسسات آموزشی، مشاوره و ...) و فعالیت‌های اولیه را حمایت کرده و کارآفرین را در رسیدن به اهدافش یاری می‌نماید.

این فعالیت‌ها عبارتند از:

۱. آموزش مهارت‌های کارآفرینی؛ ۲. مشاوره؛ ۳. تأمین منابع مالی؛ ۴. مدیریت منابع انسانی؛ ۵. سیاست‌ها و حمایت‌های دولتی؛ ۶. زیرساخت‌های اساسی (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بازار).

پس از آنجایی که توسعه‌ی پایدار، امروز بر پایه‌ی نوآوری و خلاقیت و استفاده از دانش استوار است. توسعه‌ی کارآفرینی در کشور ضمن فراهم آوردن زمینه رشد توسعه پایدار، مسائل و مشکلات جاری از همه مهم‌تر فقر، نابسامانی اجتماعی و فرهنگی، بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی و معضل انبوه سایر بیکاران را مرتفع خواهد کرد. در واقع توسعه کارآفرینی که به مفهوم کشف و بهره‌برداری از فرصت‌ها به منظور ارزش‌آفرینی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. پایه و اساس توسعه همه‌جانبه محسوب می‌شود (Gilman-rabert, 2008). می‌توان گفت توسعه پایدار برخاسته از پایداری اجتماعی است و زمینه‌ساز رسیدن به توسعه پایدار، توجه به مباحث اجتماعی است که به نوعی پایداری اجتماعی ابعاد مختلف آن را در بر می‌گیرد؛ به این معنا که اگر در جامعه‌ای شاخص‌های پایداری اجتماعی از حد مطلوبی برخوردار باشند، انتظار می‌رود توسعه پایدار در دیگر ابعاد زیست محیطی و اقتصادی نیز وجود داشته باشد (Henry-Jan, 2010).

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه کارآفرینی موجب بهبود عملکرد شاخص‌های اقتصادی مانند بهبود وضعیت رفاهی مردم، افزایش اشتغال، رشد اقتصادی و کاهش فقر می‌شود. کارآفرین سرمایه انسانی جامعه محسوب می‌شود که با تفکر، نوآوری و خلاقیت خود مبادرت به خلق ظرفیت‌های اقتصادی جدید می‌کند. ضروری است روح کارآفرینی در سراسر کشور گسترده گردد تا جوانان کشور با شور و اشتیاق وارد فعالیت‌های کارآفرینی شوند و خود مولد کار باشند نه به دنبال کار در جامعه سرگردان به سر برند. در این پژوهش برای رسیدن به پایداری اجتماعی، پس از بررسی مبانی نظری، سه مؤلفه مشارکت، امنیت و کیفیت زندگی معرفی شده است. این سه مؤلفه نیز خود در قالب شش معیار اصلی و سپس برای این شش معیار، پانزده زیرمعیار و یا شاخص‌های در نظر گرفته شده است. با توجه به یافته‌های پژوهش که از برآیند نظر کارشناسان و مسئولان به دست آمده است، عدالت اجتماعی بیشترین وزن را در میان دیگر شاخص‌های پایداری اجتماعی به خود اختصاص داده است. از طرفی، در صورتی که بپذیریم پایداری اجتماعی جزء جذابی‌ناپذیر تحقق توسعه پایدار است؛ می‌توان گفت عدالت اجتماعی، مهم‌ترین و اثرگذارترین شاخص در رسیدن به پایداری اجتماعی و در ادامه تحقق توسعه پایدار محسوب می‌شود. نتایج نشان داد که در استان گلستان، زنان کارآفرین شهری فقط از طریق ارتباط با دوستان نزدیک مجرب و قابل اعتماد، حمایت شبکه‌ای دریافت می‌نمایند و ارتباط با مشاوران تخصصی، عضویت در انجمن‌های تجاری و تخصصی زنان (شبکه ثانویه) بسیار اندک است (این مطلب نشان‌دهنده آن است که سایر عوامل شبکه‌ای در

نظر گرفته شده در این بررسی برای زنان گلستانی موجودیت واقعی خود را نیافته و یا به علت مسئولیت‌های متعدد در انجام وظایف خانه و بیرون از خانه و کمبود وقتی امکان استفاده از انجمن‌ها و سازمان‌های تخصصی موجود ولو اندک، برایشان مقدور نیست. شرایط محیطی کشور، اعم از وضعیت سیاسی، فرهنگی و تکنولوژیکی در توسعه کارآفرینی زنان مؤثرند. عوامل فرهنگی در دو بعد رسمی و غیررسمی، طرز تلقی و نگرش هر جامعه را از فعالیت‌های اقتصادی زنان آن کشور نشان می‌دهد نتایج بیانگر آن است که در استان ما فرهنگ رسمی به ویژه در بخش آموزش جامعه و آموزش‌های رسمی در سال‌های اخیر نقش بسزایی در توسعه کسب و کار و کارآفرینی زنان داشته‌اند، اما فرهنگ غیررسمی ما نه تنها امکان رشد کسب و کار را برای زنان گلستانی فراهم نمی‌سازد، بلکه مانع جدی برای آنان محسوب می‌شود. البته این مطلب دور از انتظار نیست که زنان کارآفرین شهری ایرانی با داشتن ویژگی‌هایی همچون توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، انعطاف‌پذیری و با توسعه توانایی‌های خود از طریق ارتقاء تحصیلات، تجربه و مهارت‌ها توانستند تا حد زیادی نگرش جامعه را نسبت به توانایی‌های خود تغییر داده و بسیاری از موانع و محدودیت‌های فرهنگ غیررسمی را برطرف نموده و فعالیت‌های کارآفرینانه خود را توسعه دهند. بنا بر نتایج به دست آمده عوامل سیاسی که در دو بخش، سیاست‌ها و قوانین دولت بررسی شده‌اند از عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان محسوب می‌شوند. همچنین تحلیل‌های آماری نشان داده است که تکنولوژی اطلاعات از عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی و کسب و کار زنان گلستانی محسوب می‌شوند. به کارگیری تکنولوژی اطلاعات برای زنان گلستانی توانسته فرصت‌های شغلی جدیدی را منطبق با خصوصیات فرهنگی آنان ایجاد کند. ویژگی‌های فرهنگی جامعه استان گلستان، زنان را ملزم به ایجاد درآمد برای تأمین خانواده نمی‌کند و حضور آنان را در خانه برای انجام وظایف خانه و نگهداری فرزندان ضروری می‌داند. از این رو، استفاده از تکنولوژی اطلاعات می‌تواند در ایجاد و توسعه کسب و کار در خانه برای زنان نقش مؤثری ایفا نماید.

پیشنهادات تحقیق

پیشنهادات کاربردی

با توجه به نتایج به دست آمده در فعالیت‌های اولیه جذب منابع و سازماندهی و در فعالیت‌های پشتیبانی تأمین منابع مالی، مدیریت منابع انسانی، زیرساخت‌های اساسی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند، پس پیشنهادهای ذیل در راستای نتایج تحقیق ارائه می‌گردد:

- فرهنگ‌سازی در تغییر نگرش جامعه نسبت به توانمندی زنان در فعالیت‌های اقتصادی
- شناخت و تقویت انگیزه‌ها و ویژگی‌های کارآفرینانه در زنان ایرانی، رشد و توسعه سرمایه انسانی آنان
- حمایت از شبکه‌سازی و فراهم ساختن امکانات و زمینه‌ی لازم در برخورداری زنان کارآفرین شهری از مشاوران متخصص، مشاوره‌ی مؤسسات و انجمن‌های تخصصی، تجاری و صنفی
- حفظ بنیان خانواده با تقویت و تحکیم پیوند اعضای خانواده و تدوین برنامه‌های حمایتی برای زنان کارآفرین در انجام وظایف منزل و نگهداری فرزندان همراه با توسعه کسب و کار
- تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی با نیازهای حرفه‌ای زنان توسط سیستم آموزشی کشور

- تدوین خط مشی‌ها، استراتژی‌ها و قوانین مناسب توسط دولت در جهت ترویج و توسعه‌ی کسب و کارهای مستقل و خوداشتغالی زنان و رفع موانع آنان

- ایجاد فرصت‌های عادلانه با تأکید بر اصل تعهد و تخصص و شایسته‌سالاری در جذب و بهره‌گیری از توانمندی‌های زنان متخصص در نظام مدیریتی

- ایجاد فضای لازم برای کارآفرینان زن برای پیوستن به شبکه‌های کسب و کار، بازاریابی محصولات، شبکه‌ی فروش محصولات و ...

- کمک بانک‌ها به زنان کارآفرین شهری در راستای تهیه‌ی نقشه‌ی راه تجاری در شروع و راه‌اندازی کسب و کار

- حفظ بنیان خانواده با تقویت و تحکیم پیوند اعضای خانواده و تدوین برنامه‌های حمایتی برای زنان کارآفرین شهری در انجام وظایف منزل و نگهداری فرزندان همراه با توسعه کسب و کار

- پیشنهاد می‌شود برای ایجاد یک شبکه بزرگ کارآفرینی در سطح استان، به ایجاد مراکز کارآفرینی در سطح استان، به ایجاد مراکز کارآفرینی در سطح استان و شهرستان‌ها برای معرفی کارآفرینان برتر، سهولت دسترسی به آنها و برقراری ارتباط میان افراد و شرکت‌ها اقدام شود.

پیشنهادات آتی

- شناسایی و توسعه عواملی که می‌تواند توسعه کارآفرینی زنان را در سازمان‌های دولتی افزایش دهد.

- استفاده از روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی در بخش‌های مختلف سازمان‌ها

- انجام تحقیق در رابطه با توسعه کارآفرینی زنان بر اساس عوامل فردی، شبکه‌ای، محیطی، سازمانی

- استفاده از مدل‌های جدید توسعه کارآفرینی زنان

- انجام تحقیق در رابطه با توسعه کارآفرینی زنان با دیگر ابعاد توسعه پایدار (سیاسی، اقتصادی، شهری، روستایی)

- شناسایی عوامل توسعه کارآفرینی زنان با توجه به سایر ابعاد توسعه پایدار.

منابع

- صمد آقایی، جلیل. (۱۳۹۲). سازمان‌های کارآفرین. چاپ دوم. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، مؤسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- فرهودی، رحمت‌الله؛ رهنمایی، محمدتقی؛ تیموری، ایرج. (۱۳۹۰). سنجش توسعه پایدار محله‌های شهری با استفاده از منطق فازی سیستم اطلاعات جغرافیایی. ۴۳(۷۷): ۸۹-۱۱۰.
- کریمی، سوگل؛ توکلی‌نیا، جمیله. (۱۳۹۰). جایگاه توسعه در مقیاس خرد و محله‌ای در توسعه پایدار شهری. ۱(۳): ۹۲-۸۱.
- گلرد، پروانه. (۱۳۸۹). بهره‌وری زنان کارآفرین شهری ایرانی. فصل‌نامه پژوهشنامه بازرگانی. ۱۲(۴۶): ۱۷۹-۲۰۹.
- مقیم، سید محمد. (۱۳۸۹). کارآفرینی موضوعی میان رشته‌ای و فراگیر. ماهنامه تخصصی بازاریابی. ۲۲: ۵۵-۶۳.

نظری، محمدرضا. (۱۳۹۳). اصول و مبانی کارآفرینی. انتشارات عشق دانش، گرگان، چاپ اول.
 هاشمی، حمید. (۱۳۹۰). نمای کارآفرینی در جهان. مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
 هاشمی، سعید. (۱۳۹۰). تبیین نقش نهادهای محلی در توسعه کارآفرینی روستایی. پایان‌نامه دکتری جغرافیا. دانشگاه تهران.

Adonisi, M (2003). **The relationship between corporate entrepreneurship, market orientational flexibility and job satisfaction.** Unpublished doctoral thesis, University of Pretoria.

Aladkoomo, F (2006). **Nigeria Educational Policy and Entrepreneurship Center for Industrial Research and Development (CIRD) Obafemi Awolowo University, Ile-Ife, Nigeria, 9(2).**

Alegre, J and Chiva, R (2009). **Entrepreneurial orientation, organizational learning capability and performance in the ceramic tiles industry.** WP-EC 2009- 08. Available in: <http://www.ivie.es/downloads/docs/wpasec/wpasec-2009-08.pdf>.

Ardichvili, AY Cardozo, R & Ray, S (2008). **A theory of entrepreneurial opportunity identification and development** *Journal of Business Venturing*, 18(1): 105-23.

Breidlid, D. Sexton & R. Smilor (Eds)., (2009). **The psychology of the entrepreneur in The art and science of entrepreneurship**, Cambridge, Mass: Ballinger. 142.

Calantamin, **Organizational Entrepreneurship**, Richard Irwin³.

Colantonio et al, (2009). **Taditional and Emenging prospats in social sustainability measuring social sustainability.** 3.

Cornwall, J. & Perlman, B. (2008). **Organizational Entrepreneurship**, Richard Irwin. 1990.

Gilman-Robert (2008). **Sustainability**, URL, www.Contect.org/ICIB/DEFS/AIADef.htm.

Henry, Jane (2010). **Vreativity and perception in management**, Walton Hall Publication.

Lunderstom & Stevenson, (2009). Stevenson & Fellow. **"Forum sur Entreprenership feminine Quebecois"**. Ecole des Hautes Etudes Commerciales, Montreal. (2009).

OECD, (2008). **"Women entrepreneurs in small and medium enterprises OECD procedines.**

Orhan, M, ScoTTD, (2007). **Why women enter into entreneurship an explana tory world**, pp 50,

Schumpeter, g (1934). **The Theory of Economic Development.** Cambridge, Harward University press.